



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ  
پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته‌ی تاریخ

عنوان

## قشربندی اجتماعی در دوره افشاریه

استاد راهنما

دکتر نزهت احمدی

دانشجو

نسیبه علیزاده وشکی

مهر ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ  
پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته‌ی تاریخ

عنوان

## قشربندی اجتماعی در دوره افشاریه

استاد راهنما

دکتر نزهت احمدی

استاد مشاور

دکتر اعظم آزاده

دانشجو

نسیبه علیزاده وشکی

مهر ۱۳۸۸

## چکیده

قشربندی اجتماعی یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. از این رو همه‌ی جوامع بشری دارای سلسله مراتب اجتماعی بوده‌اند. این پدیده نشان دهنده‌ی تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، اختلافات سطح زندگی و امکانات بین گروه‌های مختلف اجتماعی است و جوامع مختلفی را در بر می‌گیرد. جامعه‌ی ایران در دوره‌ی افشاریه نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. حکومت افشاریه توانست قدرت خود را در فاصله‌ی سال‌های ۱۱۴۸ - ۱۱۶۵ در ایران تثبیت سازد. افشاریه دولتی مستعجل بود که زمینه‌ساز وقایع و اتفاقات زیادی در تاریخ ایران شد. مهم‌ترین وقایع این دوره انجام فتوحاتی در عرصه‌ی خارجی بود که برای کشور ایجاد امنیت می‌نمود. بروز این واقعه دگرگونی‌هایی را در ساختار اجتماعی ایران رقم زد و آن تغییر جایگاه و پایگاه اقشار عالی‌رتبه‌ی کشور بود. نظامیان علی‌رغم حضور همیشگی در ارکان دولت-ها، در این دوره جایگاه خاصی یافتند؛ به حدی که جزو مقربان و نزدیکترین افراد به شخص شاه شدند. آنها حتی توانستند در دیگر ارکان دولت نیز نفوذی کامل یابند و به مدد پادشاهی نظامی، حکومت بر ایالات و ولایات، دیوان‌سالاری و دیگر امور مهم جامعه آن روز را به دست گیرند. بقیه‌ی افراد جامعه از نظر سلسله مراتب قشربندی پس از آنها قرار می‌گرفتند. بنابراین منابع این دوره با صراحت و به وضوح از حضور نظامیان در جامعه یاد کرده‌اند، اما هیچ اشاره‌ای به وجود اقشار دیگر در جامعه نداشته‌اند.

در این پژوهش از روش تحلیل تاریخی و بر اساس نظریه‌ی قشربندی ماکس وبر بهره گرفته شده است. وبر در بیان چارچوب قشربندی، ثروت، قدرت و منزلت را سه خصیصه‌ی عمده در تعیین قشربندی می‌داند. در این پژوهش سعی شده تا مشخص گردد آیا دیدگاه وبر با جامعه‌ی استبدادی ایران و قشر برکشیده در دوره‌ی افشاریه مطابقت دارد یا خیر؟ و اینکه نظامیان که

در این دوره جایگاه بالایی یافته‌اند دارای کدام یک از این سه خصیصه‌ی برشمرده‌ی وبر بوده-  
اند؟

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بافت قشربندی اجتماعی در جامعه‌ی ایران در دوره‌ی  
افشاریه را از نظر قدرت‌یابی پادشاه با نظریه‌ی وبر می‌توان انطباق داد. نیز بخش سلطه‌ی سنتی  
و کاریزماتیک دیدگاه وی درباره‌ی انواع سلطه‌ی سیاسی، با جامعه‌ی ایران در دوره‌ی افشاریه  
هم‌خوانی دارد. نیز نتایج حاصل از پژوهش حاکی از برتری نظامیان بر دیگر اقشار و وجود نظام  
استبدادی و خودکامگی در حکومت آن دوره است.  
واژگان کلیدی: قشربندی اجتماعی، سلسله‌ی افشاریه، نظامیان.

## فهرست مطالب

مقدمه.....الف

### فصل اوّل: کلیات و مبانی پژوهش

- ۱-۱ مسأله پژوهش.....۲
- ۲-۱ پرسش پژوهش ..... ۶
- ۳-۱ اهداف پژوهش..... ۶
- ۴-۱ پیشینه پژوهش... ۷
- ۵-۱ فرضیه پژوهش..... ۱۰
- ۶-۱ بررسی و نقد منابع..... ۱۰

### فصل دوم: مبانی جامعه‌شناختی پژوهش

- ۱-۲ تعاریفی از قشربندی اجتماعی..... ۱۹
- ۲-۲ ویژگی‌های قشربندی اجتماعی..... ۲۴
- ۳-۲ مروری بر تاریخچه‌ی اندیشه‌ی جامعه‌شناسی در حوزه‌ی قشربندی اجتماعی..... ۲۵
- ۴-۲ واکاوی نظری پژوهش..... ۳۲
- ۵-۲ سازمان طبقاتی ایران بعد از اسلام..... ۳۹
- ۶-۲ تکوین سلسله مراتب جدید اجتماعی..... ۴۱
- ۷-۲ قشر مسلط..... ۴۲
- ۸-۲ قشرهای میانی..... ۴۳
- ۹-۲ عوام..... ۴۳

### فصل سوم: تاریخ سیاسی و اقتصادی افشاریه

- ۱-۳ تاریخ سیاسی حکومت افشاریه..... ۵۰
- ۱-۳-۱ روی کار آمدن نادرشاه ..... ۵۱
- ۱-۳-۲ نبرد نادر با عثمانی ..... ۵۴
- ۱-۳-۳ طغیان محمدخان بلوچ..... ۵۶
- ۱-۳-۴ تاج‌گذاری نادر..... ۵۷
- ۱-۳-۵ تسخیر هندوستان..... ۵۷
- ۱-۳-۶ تصرف ماوراءالنهر و خوارزم..... ۵۹
- ۱-۳-۷ لشکرکشی به داغستان..... ۵۹
- ۱-۳-۸ کور شدن رضاقلی میرزا..... ۶۰
- ۱-۳-۹ جنگ‌های ایران و عثمانی..... ۶۰
- ۱-۳-۱۰ پایان جنگ ایران و عثمانی ..... ۶۲
- ۱-۳-۱۱ پایان کار نادر..... ۶۲

۱۲-۱-۳ ..... جانشینان نادر..... ۶۳

۲-۳ ..... اقتصاد ایران در دوره افشاریه..... ۶۶

### فصل چهارم: اقشار در دوره‌ی افشاریه

۱-۴ ..... اقشار در دوره حکومت افشاریه..... ۸۳

۱-۱-۴ ..... قشرهای دولتی..... ۸۵

۱-۱-۱-۴ ..... قشرهای عالی‌رتبه دولتی..... ۸۵

۲-۱-۱-۴ ..... اقشار متوسط دولتی..... ۸۶

۳-۱-۱-۴ ..... قشر پایین دولتی..... ۸۶

۲-۱-۴ ..... اقشار غیر دولتی..... ۸۷

..... شاهزادگان و خویشاوندان نادر..... ۹۱

..... درباریان..... ۱۰۷

..... نظامیان..... ۱۲۱

..... الف- مناصب عالی‌رتبه‌ی نظامی..... ۱۲۳

..... ب- مناصب رده‌میانی نظامی..... ۱۲۸

..... ج- قشر پایین نظامی..... ۱۶۱

..... حکام..... ۱۷۵

..... دیوانیان..... ۱۸۷

..... روحانیون..... ۲۰۱

..... نتیجه..... ۲۰۷

### پیوست‌ها

..... تاریخ ایلات ایران..... ۲۱۸

..... جداول..... ۲۶۵ - ۲۲۸

..... مآخذ..... ۲۶۶

## مقدمه

افشاریه، سلسله‌ای بود که حکومتی مستعجل و در عین حال بسیار تأثیر گذار بر اوضاع ایران آن زمان را تشکیل داد. جامعه‌ی ایران دوران بسیار کوتاهی از این سلسله را تجربه کرد. این حکومت از سال ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۵ بر تمام ایران و از سال ۱۱۶۵ تا سال ۱۲۱۰ فقط بر منطقه‌ی خراسان حکومت کرد. تأسیس و سقوط این سلسله بسیار سریع اتفاق افتاد. ظهور و افول هر سلسله، تغییراتی هر چند جزئی را در ارکان مختلف جامعه پدیدار می‌سازد. یکی از این ارکان، قشربندی اجتماعی آن جامعه است. نظر به اینکه قشربندی اجتماعی پدیده‌ای جدایی‌ناپذیر از جامعه‌ی انسانی و بیانگر سلسله مراتب اجتماعی در نظام‌ها و ساخت‌های مختلف اجتماعی است، با بیان این اصل مفاهیم دیگری از جمله موقعیت اجتماعی، نقش اجتماعی، مقام و پایگاه اجتماعی مطرح می‌شود. در اینجا سؤالاتی را می‌توان مطرح نمود؛ از جمله اینکه ایران از لحاظ قشربندی اجتماعی در دوره‌ی افشاریه به چه صورتی در آمد؟ روند سابق همچنان تکرار شد یا تغییراتی بنیادین در دوره‌ی مورد نظر به وجود آمد؟ این پرسش و پرسش‌هایی نظیر آن، در این رساله مورد توجه قرار می‌گیرند و تلاش خواهیم کرد تا به پاسخ آنها دست یابیم. هدف اصلی این پژوهش، کشف ساختار اجتماعی و شناسایی دگرگونی‌های احتمالی ساختار اجتماعی ایران در دوره افشاریه است.

دوره‌ی افشاریه دوره‌ای است که تقریباً از حوزه‌ی توجه پژوهشگران دور مانده است. در نتیجه ضرورت تحقیقات وسیع و جامع در حوزه‌های مختلف برای این دوره احساس می‌شود. پژوهش مورد نظر در مورد این دوره سابقه‌ی قبلی ندارد و نخستین کار در زمینه‌ی ساختار اجتماعی دوره افشاریه است.

با توجه به اینکه هدف و کار اساسی بر روی منابع مورد پژوهش این دوره بوده، در گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نظر از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده‌ایم و سپس از روش توصیفی -



تحلیلی در پردازش داده‌ها بهره برده‌ایم. در این راستا رویکردی به عقاید وبر در مورد قشربندی و اقتدار نیز شده تا مشخص گردد این نظریات تا چه حد با جامعه‌ی ایران آن زمان مطابقت دارد. از آنجا که ساختار حکومتی جامعه ایران با نظریات جامعه‌شناسانی چون آبراهامیان و کاتوزیان بسیار نزدیک بوده است، تلاش شده تا به نظر آنها در مورد جامعه‌ی ایران نیز به طور اجمالی اشاره شود.

این رساله در چهار فصل نوشته شده است. فصل نخست به بیان مبانی پژوهش می‌پردازد و کلیاتی درباره‌ی مبحث کلی رساله ارائه می‌دهد.

فصل دوم به مباحث قشربندی در جامعه‌شناسی اختصاص یافته است. در این فصل بعد از مقدمه‌ی کوتاهی در تعریف قشربندی و مروری بر نظریات جامعه‌شناسان در این مورد، دیدگاه وبر در این مورد به طور اجمالی بیان می‌شود. در این میان، وبر در بحث خود از اقتدار، انواع اقتدار را ذکر کرده و شاخصه‌های آنها را معرفی می‌کند. در ادامه، به معرفی حکومت استبدادی و ویژگی‌های آن پرداخته شده است.

فصل سوم در برگیرنده‌ی ویژگی‌های تاریخی و اقتصادی این دوره است. قسمت تاریخی از زمان روی کار آمدن نادر در قالب فردی از افراد حاکم ابیورد آغاز می‌شود و تا مرحله‌ی پایان کارش که قتل او به دست چند تن از سردارانش بوده، ادامه می‌یابد. در بخش اقتصادی که شیوه‌ی تولید پیش از سرمایه‌داری است با ارائه‌ی مستندات جهت‌گیری اقتصادی این دوره معرفی می‌شود.

در فصل چهارم که در واقع فصل اصلی پژوهش است، با اتکا به معرفی افراد برجسته‌ی این نظام، به دگرگونی اقبال بلندپایه پرداخته شده است. در این تحقیق سعی شده که بر اساس منابع این دوره، بخش‌های دولتی که در این زمان توانستند موجودیت خود را حفظ کنند و نیز افراد منتصب به این ارکان شناسایی شوند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد می‌توان از دیدگاه وبر در زمینه‌ی اقتدار بهره برد و تا حدودی از نظریه‌ی او در زمینه قدرت در جامعه‌ی ایران در آن دوره استفاده کرد؛ اما نظریات جامعه‌شناسان تاریخی ایرانی مبنی بر استمرار نظام استبدادی بر جامعه ایران با سرزمین ما همسانی و سازگاری بیشتری دارد.

جامعه‌ی ایران همواره از نظامی استبدادی برخوردار بوده است. ویژگی اصلی نظام استبدادی، قدرت بی‌هماورد شاه بوده است. در حکومت استبدادی همه در مقابل قدرت شاه برابرند. گروه‌های مختلف از اعلی تا ادنی در مقابل حکومت یکسان بودند. القاب و مناصب، حق کسی محسوب نمی‌شد؛ بلکه در حکم امتیاز بود و به راحتی از سوی شاه می‌توانست از افراد سلب شود.

برای بررسی ویژگی‌های قشربندی اجتماعی این دوره، ابتدا لازم است با تعاریف و کلیات آشنایی یابیم تا با مبانی پژوهش بیشتر آشنا شویم. برای نیل به این هدف، در فصل نخست به معرفی این مبانی می‌پردازیم.

# فصل اوّل

## کلیات پژوهش

## ۱-۱: مسأله‌ی پژوهش

در این پژوهش سعی بر آن است تا اقشاری که در جامعه‌ی افشاریه شکل گرفتند، مورد بررسی قرار گیرند. در جامعه‌ی مقتدر و دیر پای صفوی، اقشار از تقسیم‌بندی خاصی برخوردار بودند. حمله‌ی افغان‌ها و به قدرت رسیدن نادر، بدون شک بر این قشربندی اثر گذاشت و تغییراتی را در تمامی سطوح ایجاد کرد. تا حدی که شاهد تغییرات و تحولات بسیاری در آن هستیم.

در مورد ساختار اجتماعی، لوپز و اسکات چنین گفته‌اند: «ساختار اجتماعی ترکیبی از خود روابط است و به عنوان الگوهای علی و معلولی روابط و پیوستگی میان عاملان و عملشان و نیز موقعیت‌هایی است که آنها اشغال می‌کنند.»

بی تردید اقشار مختلف اجتماعی در طول تاریخ بشر در شکل‌گیری جوامع و فراز و فرودهای آن تأثیر بسیار داشته‌اند. حتی روابط میان آنها و نیز تلاش‌ها و مساعی‌شان در شکل‌دهی به نظام‌های اجتماعی مؤثر بوده است. ساختار اجتماعی، احوال قشرهای مختلف و روال معاش و مناسبات اجتماعی، سیاسی و دیوانی را درون خود جای می‌دهد. یکی از مفاهیم اساسی که لازم است در توصیف ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای بررسی و تحلیل شود، نظام قشربندی اجتماعی آن جامعه است. قشر بندی اجتماعی مفهوم جامعه‌شناختی عامی است که بیانگر سلسله مراتب اجتماعی در نظام‌ها و ساخت‌های مختلف اجتماعی است.

تعاریف متعددی درباره‌ی قشربندی اجتماعی شده است و اشتراک‌های فراوانی میان آنها دیده می‌شود. پیتر یم سوروکین در کتاب «تحرک اجتماعی و فرهنگی» که امروز یکی از کتب کلاسیک درباره‌ی قشربندی اجتماعی به شمار می‌رود، آن را بدین‌گونه تعریف کرده است: «قشربندی اجتماعی عبارت است از نابرابری در توزیع حقوق و امتیازات، تکالیف، مسؤولیت‌ها، مراتب، محرومیت‌ها، قدرت اجتماعی و نفوذ میان اعضای یک جامعه.»

پارسنز نیز چنین تعریفی ارائه می‌کند:

«قشربندی اجتماعی عبارت است از طبقه‌بندی افرادی که نظام اجتماعی معینی تشکیل داده‌اند. همچنین صفت برتر یا پست‌تر یک عده نسبت به عده‌ی دیگر بر حسب ارزش‌هایی است که برای جامعه اهمیت دارد و بر حسب آن خطوط اصلی قدرت این نظام‌ها و در عین حال علل ثبات این نظام‌ها و فشارهای داخلی یا تغییرات و جابجا شدن‌هایی را که در آنها رخ می‌دهد و بر اساس فهم درست نظام‌ها آشکار می‌شود.»

با توجه به این دو تعریف، می‌توان ادعا کرد که قشربندی اجتماعی و نظام سلسله مراتب، خاص جامعه‌ی معینی نیست و در جوامع مختلف اعم از سنتی و مدرن به چشم می‌خورد. از آنجا که هر کشور ویژگی‌های خاص خود را دارد، می‌توان گفت که قشربندی اجتماعی تا حد زیادی از کشوری به کشوری دیگر و از یک دوره‌ی تاریخی به دوره‌ی تاریخی دیگر متفاوت است.

اما کامل‌ترین تعریف را وبر از قشربندی اجتماعی ارائه می‌دهد. او به غیر از بعد اقتصادی، دو بعد دیگر نیز به این تعریف افزود: قدرت و حیثیت. نتیجه این‌که وبر برای قشربندی اجتماعی سه بعد اقتصادی، منزلت و قدرت را مطرح می‌کند.

در طول تاریخ، حکومت‌های زیادی پا به عرصه وجود نهاده‌اند. در این حکومت‌ها - چه دیرپا و چه مستعجل - پس از گذشت مدتی، آثار رکود و افول نمایان شده و در نهایت سقوط

کرده‌اند و به دنبال آن حکومت نوپای دیگری جایگزین آنها شده است. تاریخ ایران نیز از این امر مستثنی نیست. تاریخ این سرزمین، هم سابقه‌ی حکومت‌های طولانی و هم کوتاه‌مدت را داشته است. از جمله‌ی حکومت‌هایی که عمری کوتاه داشت، اما در سرنوشت ایران بسیار مؤثر بود، حکومت افشاریه است که پس از حکومت مقتدر صفوی در تاریخ ایران ظهور کرد.

برای تبیین قشربندی جامعه‌ی ایران در دوره‌ی افشاریه، باید اوضاع و احوال اجتماعی توده‌های ایرانی شهرنشین و روستانشین (جمعیت ساکن) و ایلات به طور اعم (جمعیت متحرک) را با تفکیک کار آنها مورد بررسی قرار دهیم. هر چند این مشخصه در این دوران شکل نگرفته و از دوره‌های قبل، از زمان ورود ترکان به ایران در ساختار اجتماعی ایران مطرح شده بود. بر اساس این تقسیم‌بندی باید اذعان کرد که در دوره‌ی قبل از این دوره، حکومتی که بر اثر کوشش قبایل چادرنشین ترک (قزلباش) به وجود آمده بود، حدود ۲۴۰ سال دوام آورد. زمام امور این حکومت در دست امرای چادرنشین ترک، مأموران عالی‌رتبه‌ی درباری، امیران سپاه و حکام ایالات بود که در رأس آنها خاندان‌های زمین‌دار قرار داشت. در اواسط دوره‌ی این حکومت، دولت حالتی متمرکز به خود گرفت؛ به گونه‌ای که دیگر بر قوای عشیرتی و ایلی اتکا نمی‌کرد؛ بلکه قوای جدیدی را که از عناصر غیر ایلی فراهم کرده بود، پشتیبان خود ساخته بود. اقشار جامعه در این دوره عبارت بودند از: بزرگان نظامی (اهل شمشیر) و اهل قلم (ایرانیان)، روحانیون، دیوانسالاران، زمین‌داران و رؤسای امارات، بازاریان، تجار، اصناف، پیشه‌وران و روستاییان.

هنگامی که آثار افول در این حکومت هویدا گشت، مورد هجوم افغان‌ها قرار گرفت و در سال ۱۱۳۵ هـ.ق سقوط کرد. افغان‌ها پس از هفت سال سرانجام در سال ۱۱۴۲ هـ.ق توسط نادر شکست خوردند و اصفهان از دست آنها خارج شد. این امر بدون شک در اقشار و جمعیت جامعه تأثیر بسزا داشت؛ چرا که موجب از بین رفتن جمعیت زیادی شد. گروهی جلای وطن

اختیار کردند و عده ای نیز موقعیت قبلی خود را از دست دادند. نادر در ابتدای سلطنتش به دو مسأله‌ی مهم پرداخت؛ یکی تحکیم قدرت مرکزی و دیگری تأمین نیازهای مالی حکومتش از طریق غارت کشورهای دیگر و ضبط زمین‌های مالکان شورشی. نادر برای انجام این اقدامات، متکی بر قدرت نظامیان بود. از ویژگی‌های این دوره، حذف برخی از ارکان دولت سابق، بی‌اعتبار ساختن برخی از مناصب و به‌دادن به برخی از ارگان‌های دولت به‌ویژه در ارتش است. به‌گونه‌ای که او محور اصلی حکومتش را از دیوانسالاری به نظامی‌گری منتقل کرد. این اقدامات بدون شک در جامعه تأثیر بسیاری گذاشت، تا اینکه از صحنه‌ی قدرت کنار زده شد. با قتل نادر هرج و مرج در سراسر ایران شدت یافت.

به نظر می‌رسد با روی کار آمدن هر حکومتی اقشار جامعه دستخوش دگرگونی هر چند جزئی و ناچیز می‌گردد؛ اگرچه ممکن است این تحرک اجتماعی در اقشار پایین جامعه ملموس نباشد، اما اقشار بالای جامعه و دست‌اندرکاران تشکیل قدرت را نمی‌توان از این امر مبرا دانست. در این جا باید تأکید کرد که جامعه‌ی ایران در سراسر تاریخ خود شاهد حکومت‌های استبدادی بوده و جابه‌جایی اقشار نیز تحت تأثیر حکام خودکامه قرار گرفته است. پس در واقع این امر به سیاست دارندگان قدرت بستگی دارد. این که دارندگان قدرت برای تثبیت و تحکیم قدرت خود بر کدام قشر یا نهاد تکیه می‌کنند، اهمیت فراوان دارد. آنچه در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این نظر را می‌توان به دوره‌ی کوتاه افشاریه تعمیم داد؟ و اینکه دارندگان قدرت در این برهه از تاریخ ایران تا چه حد در تحولات قشربندی نقش داشته‌اند؟ علی‌رغم اینکه از سقوط صفویه تا روی کار آمدن زندیه به نیم قرن نمی‌رسد، جامعه‌ی ایران دستخوش حوادث متعددی گشت. به‌گونه‌ای که این حوادث در آینده‌ی ایران نقش بسیاری ایفا کرد. هدف اصلی در این پژوهش این است که روشن سازیم آیا این حوادث، تغییر یا تحولاتی را در اقشار اجتماعی این دوره به دنبال داشته است؟

## ۲-۱: پرسش پژوهش

سیاست‌های نادر چه تأثیری بر قشربندی اجتماعی داشته است؟

## ۳-۱: اهداف پژوهش

با توجه به تغییرات محسوسی که در قشربندی اجتماعی پس از سقوط صفویان به وجود آمد، این پژوهش در صدد است تا با بررسی و تحلیل علل و عوامل مؤثر بر آن، گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی ایران را روشن سازد و نشان دهد چه عواملی باعث تغییر در قشربندی اجتماعی در دوره افشاریه شده است.

در سراسر تاریخ ایران قشرهای اجتماعی به دولت وابسته بوده‌اند و به دلیل استبداد حاکم بر جامعه، اقشار از خود استقلالی نداشته‌اند؛ یعنی اینکه قدرت کاملاً در دست دولت بوده و سرنوشت همه‌ی افراد - چه مقتدرترین و چه فرو دست‌ترین - در دست شاه بوده است، در واقع چه افراد بالای جامعه و چه افراد طبقات پایین، همگی در برابر استبداد شاه برابر بودند. با توجه به مطالب گفته شده و با توجه به اینکه این حکومت مستعجل بود، اتفاقات زیادی را برای جامعه‌ی ایران آفرید. نادر که توانسته بود حاکمیت ملی ایران را بازگرداند، بر نظامی‌گری تکیه کرد و با این کار باعث افول یا صعود اقشار خاصی از جامعه شد. در اثر لشکرکشی‌های او جمعیت زیادی کشته شده یا کشور را ترک کردند. همه‌ی این عوامل در ایجاد تغییرات در ارکان جامعه مؤثر بوده است. در اینجا می‌خواهیم دریابیم که چه عواملی در شکل‌گیری قشرهای این دوره مؤثر بوده است؟ اینکه آیا می‌توان اصلی که تا آن زمان بر جامعه‌ی ایران حاکم بوده را به این دوره نیز تعمیم داد؟ و اینکه قدرت حاکم تا چه حد در شکل‌گیری قشرها مؤثر بوده است؟ همچنین در این پژوهش برآنیم که افرادی را که در این دوره در لایه‌های مختلف اجتماع حضور داشتند، بر اساس مستندات منابع شناسایی کنیم، تا بدانیم میان این اقشار و قشرهای جدید چه تفاوت‌هایی وجود داشته است؟



#### ۴-۱: پیشینه‌ی پژوهش

به طور کلی پژوهشی که تنها به بررسی افشار جامعه‌ی ایران در دوره افشاریه پرداخته باشد، وجود ندارد. با این وجود نویسندگانی چون جان فوران در *مقاومت شکننده یا تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، عزت‌الله نوذری در *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطه و ابراهیم انصاری در نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران* ضمن توضیح و تبیین اجتماع ایران در طی قرون متمادی، نگاهی اجمالی به دوره‌ی افشاریه نیز داشته‌اند. افزون بر کتاب‌های نامبرده، اثر دکتر رضا شعبانی با عنوان *تاریخ اجتماعی ایران در دوره‌ی افشاریه* به عنوان پیشینه‌ی پژوهش جلوه‌گری می‌کند. شایان ذکر است در کتاب *مقاومت شکننده* اثر جان فوران به ترجمه‌ی احمد تدین که تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پیش از انقلاب اسلامی را در خود جای داده است، نویسنده تلاش کرده است تا تحولات ساختار اجتماعی ایران در طول پنج قرن را در سه بخش ارزیابی نماید. هدف نویسنده در بخش نخست، کشف صور بنیادین شکل‌گیری اجتماعی جامعه‌ی ایران در دوره‌ی صفویه است؛ آن‌گاه ارتباطی را میان این ساختار اجتماعی و دگرگونی‌های اجتماعی که طی دوران صفویه و پس از آن رخ داده است، نشان می‌دهد.

در فصل دوم، ساختار اجتماعی دوره‌ی صفویه در اوج اقتدار و اندکی بعد از مرگ شاه عباس مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش اصلی این فصل، به ماهیت دولت صفویه و سه بخش اقتصادی به هم تنیده‌ی صورت‌بندی اجتماعی ایران - شبانکارگی، کشاورزی، یکجانشینی و صنوف تولید کنندگان شهری - پرداخته شده و سپس با نگاهی به برخی جنبه‌های کلیدی و سیاسی، صورت‌بندی اجتماعی ایران قرن هفدهم نشان داده شده است.

در فصل سوم ضمن پرداختن به مسیر دگرگونی اجتماعی در ایران از قرن نهم انواع دگرگونی اجتماعی در دوران صفویه و انقلاب‌های دودمانی قرن دوازدهم با توجه به پویش

در صورت‌بندی اجتماعی و نقش رشد مناسبات تجاری با غرب در دوره‌ی صفویه بررسی شده است. از سویی در این فصل، ساختار اجتماعی ایران، روابط اقتصادی، سیاست خارجی و وابستگی حکومت در این دوره مورد بحث قرار گرفته است. در پایان این فصل، نویسنده با بررسی دولت، جامعه، اقتصاد و دگرگونی‌های زمان حکومت پهلوی و ظهور انقلاب در ایران بحث خود را به پایان می‌رساند.

علی‌رغم وجود الگوی مناسب در شناخت ساختار اجتماعی ایران، در این اثر اطلاعاتی راجع به دوره‌ی کوتاه افشاریه ارائه نشده است. در مجموع شناخت ساختار اجتماعی ایران در دوره‌ی صفویه و دگرگونی‌های اجتماعی ایران با ظهور حکومت قاجار در این کتاب به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو هیچ تألیفی را نمی‌توان نام برد که در موضوع مورد بحث نویسنده، از لحاظ ارزش محتوایی با این کتاب برابری کند.

ابراهیم انصاری نیز در *نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران* به مقوله‌ی قشربندی در تاریخ ایران توجه داشته است. در این کتاب، نویسنده در بخش اول ضمن بیان مفاهیم و نظریه‌های قشربندی، نظریه‌های مربوط به طبقه‌ی متوسط جامعه را مرکز توجه خود قرار داده و در بخش دوم با نگاهی اجمالی بر صورت‌بندی اجتماعی ایران از اعصار گذشته تا معاصر، محور اصلی بحث را بر شناخت طبقه‌ی متوسط قدیم و جدید در ایران قرار داده است.

با اینکه دو دوره‌ی قاجار و پهلوی پیکره‌ی اصلی این کتاب را تشکیل داده، نویسنده به خوبی توانسته است شکل‌گیری طبقات اجتماعی ایران در دوره‌ی صفوی و تشکیلات حکومتی این دوره را به خوبی مورد بحث قرار دهد؛ اما از این ویژگی‌ها در دوره‌ی افشاریه به سرعت گذشته است. با این وجود برای پژوهش حاضر پیشینه‌ی تقریباً مفیدی محسوب می‌شود؛ نخست آنکه نظریات مهم قشربندی را در خود دارد که بسیار کارآمد است. از سویی دیگر این

کتاب مرجع مناسبی برای شناخت بوروکراسی یا تشکیلات اداری ایران آن دوران است که در آن می‌توان با دیوانسالاری، روحانیت و بازار در قدیم آشنا شد و در معرفی پایگاه‌های اجتماعی مطرح شده، از این بخش استفاده نمود. با این وجود به نظر می‌رسد جای خالی بحث در مورد دوره‌ی افشاریه به خوبی در این کتاب دیده می‌شود.

دکتر عزت‌الله نوذری در *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز مشروطه* به بیان صورت‌بندی ساختار اجتماعی ایران در طول ادوار تاریخی با دو رویکرد پیش از اسلام و نیز پس از آن وارد بحث شده است. نویسنده پس از مروری کوتاه بر بخش قبل از اسلام، بیشتر توجه خود را به ایران بعد از اسلام تا دوره‌ی قاجار معطوف کرده است. در پرداختن به ایران پس از اسلام نیز نویسنده به دو دوره‌ی صفویه و قاجار بیشتر نظر داشته و با شرح و تفصیل بیشتری ساختار اجتماعی این دو دوره را معرفی کرده است.

سپس نویسنده، پس از شرح مختصری از تاریخ سیاسی تمام ادوار تاریخی ایران، به تشریح وضعیت اقتصادی، سازمان اداری و حکومتی و تشکیلات نظامی در برخی از دوره‌های پس از اسلام پرداخته و در ارتباط با دوره‌ی افشاریه به بررسی موضوعاتی چون ارتش، دین و مذهب، سازمان اداری و کشوری را به طور سطحی و گذرا اهتمام ورزیده است. اگرچه علی‌رغم بررسی مختصر، تا حدی توانسته است اوضاع اجتماعی دوره‌ی افشاریه را از نظر بگذراند.

دکتر شعبانی در اثر دو جلدی خود تحت عنوان *تاریخ اجتماعی ایران در دوره‌ی افشاریه* اطلاعاتی پیرامون این دوره در آن جای داده که در آثار سایر نویسندگانی که به این دوره پرداخته‌اند، بدان‌ها کمتر توجه شده است. در جلد اول این اثر علاوه بر مسایل سیاسی، مسایل حکومتی، نظام اجتماعی، اقتصادی و مناسبات خارجی ایران در دوره‌ی افشاریه مورد توجه قرار می‌گیرد. جلد دوم نیز مباحثی چون رزم‌آوران، دیوانیان، روحانیان و امور روحانی، منشیان و مترسلان را در خود گنجانیده است. علی‌رغم اطلاعات مفید و مناسبی که در این دو اثر وجود

دارند ایراداتی نیز بر آنها وارد است و یکی از آنها عدم انطباق عنوان جلد نخست با محتوای آن است. به این دلیل که در بیان تاریخ اجتماعی، مسایل داخلی کشور و دگرگونی‌های اجتماعی و شکل‌گیری صور جدید اقشار در جامعه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در عوض در زمینه‌ی اقتصاد و مناسبات خارجی در حد بالایی اطناب و زیاده‌روی شده است. گاهی نیز در لابه‌لای کتاب مسایلی مورد بحث قرار گرفته است که ارتباط چندانی با موضوع اصلی کتاب ندارد.

فصل سوم کتاب، نظام اجتماعی دوره افشاریه نامیده شده و در آن گروه‌هایی در جامعه عنوان شده است. البته روشن است که جامعه تنها متشکل از همین چند قشر مطرح شده نبوده است. در جلد دوم اثر سعی شده گروه‌های مختلف تشکیل‌دهنده‌ی ساختار قدرت حکومت افشاریه مورد بحث و بررسی قرار گیرند؛ اما توجه به عنوان و مضامین مطالب که در خلال صفحات درج شده موجب نقض عنوان اثر می‌شود؛ زیرا این قضیه را روشن می‌سازد که نویسنده در هر رکنی از ارکان نظام اجتماعی مسأله را کاملاً جزئی مورد بررسی قرار داده و به جای معرفی اقشار مختلف، فرد خاصی را در منصب خاصی مورد توجه قرار داده و شرح و تفصیل‌های فراوانی نوشته که حذف آنها خلل چندانی به بحث وارد نمی‌کند.

#### ۱-۵: فرضیه‌ی پژوهش

با توجه به برتری همه جانبه‌ی سیاست نظامی‌گری نادر نسبت به سایر سیاست‌ها، این رویکرد با تضعیف موقعیت سایر اقشار به قدرت‌گیری و رفاه اقتصادی قشر نظامیان در جامعه‌ی افشاریه منجر شد.

#### ۱-۶: بررسی و نقد منابع

##### ۱. عالم‌آرای نادری

این کتاب نوشته‌ی محمد کاظم مروی است و شامل مفصل‌ترین زندگی‌نامه‌ی نادرشاه افشار و تاریخ حوادث روزگار او و به همین جهت از مهم‌ترین منابع آن دوره است.